

سوريه و اهميت استراتژيك آن



از مدت زمان اندکی باز هم ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا که اکنون در رأس آن حکومت جمهوری فدرال آلمان و مقدم بر همه گیودووسترویلی وزیر خارجه آلمان و نماینده معلوم الحال سرمایه داری لیبرال قرار دارد، از پشه فیل میسازند و سعی میورزند تا ذهنیت عامه را بخاطر عملی کردن پلانهای شوم و غیر انسانی شان تخریش نمایند.

امید خواننده عزیز مرا اشتباهاً در جایگاه مدافع رژیم بعث سوریه قرار ندهد. البته آنچه صورت میپذیرد به این پیمان که سر و صورت تبلیغاتی به آن داده میشود، وارد نیست. اما فراموش نباید کرد که فرمانروایی موروثی سوریه به هیچ وجه در طرفداری از مردم و زحمتکشان سوریه قرار نداشته و ندارد.

اینک که مطلب مشخص شد، ببینیم که در پسمنظر این اشک تمساح ریختنها کدام مواردی وجود دارند که باعث نگرانی غرب گردیده است. درین زمینه ضروری است تا روی وضع موجود مکث کوتاه کرد و مقدم بر همه باید دانست که سوریه با کشورهای ترکیه، عراق، لبنان، اسرائیل واردن سرحد مشترک دارد.

لشکرکشیهای ایالات متحده- ناتو اکنون در میان اقشار مختلفه مردم کشورهای اسلامی روحیه ضد غرب را ایجاد کرده است. علت آن در برخورد های غیر انسانی قطعات کشورهای متجاوز، بخصوص ایالات متحده آمریکا در کشورهای افغانستان، عراق، مصر، لیبیا، تونس، پاکستان، سودان، سومالیانو... ایجاد زندان مخوف گوانتانامو برای شکنجه نمودن و "تجدید تربیت"

بنیادگرایان اسلامی، نقض حقوق بشر، پامال کردن کرامت انسانی، دامنزدن به تبعیض ملی، مذهبی و گروهی و... که به همین گونه میتوان فهرست جنایتهای این "مدافعان دموکراسی و حقوق بشر" را ادامه داد، میباشد.

در یک کلمه: آنچه مردم اینکشور ها از دیکتاتور های خود کامه که بازهم سالیان متمادی بوسیله همین "مدافعان" پشتیبانی میشدند و حتی مورد تفقد آنان قرار داشتند و رهبران دموکرات و مورد اعتماد بودند، شب در میان به دیکتاتورها، جنایتکار ها و افراد نامطلوب مبدل گردیدند و بوسیله فعالیت‌های گروهی از جواسیس جنبش براه انداخته شد و مردم در رده های آن زیر نام انقلاب به خیابانها کشانیده شدند، قربانی دادند تا بشارت آینده را حس کنند، هستی شان را فدای راه انقلاب کردند و در پایان یا از جانب حکومت‌های نظامی و یا حکومت‌های بازهم دست نشانده و مزدور در چنبره چور و چپاول غرب و امریکا باقی ماندند. و اگر نظری به مصر بیاندازیم میبینیم که نه تنها حکومت نظامی در آنجا مسلط است بلکه استبداد تئوکرات در چهره تسلط اخوان المسلمین که در نتیجه مبارزه سالیان متمادی دموکراتها رخت سفر بسته بود، در زمان حسنی مبارک، جان گرفت و اینک زمام امور را در قوه تقنینی بدست دارد. پس درین کوره راه کدام نیروی دموکرات حاضر است به غرب و ایالات متحده امریکا اعتماد کند و آینده سیاسی کشور شانرا بدست دلان ذخائر نفتی و یغمابران مواد خام بسپارند. در صورت توافق مستقیم کشوری چون عربستان سعودی که از جمله متحدین دست اول امریکا- ناتو درین منطقه است، مشکلهای بزرگی دامنگیر دنیای عرب و بخصوص شیخهای عرب میگردد و از همیجاست که نخست دیگران را سهم می سازند و بعد خود داخل کار زار جنگ شده از آن به منفعت اندوزی پولی میپردازند.

اگر هیلری کلینتن وزیرخارجة ایالات متحده امریکا در کنفرانس امنیت در مونشن سؤال میکند که روسیه و چین منتظر خونریزی تا کدام پیمانان هستند؟ باید خود به این مسئله جواب ارائه کند که در برابر سوریه چه پلانی را رویدست دارد. البته که جواب به این مطالب را دریافت نخواهیم کرد، زیرا خوب میدانیم که سرمایه اکنون در چنان بحرانی دست و پا میزند که صرفاً از طریق براه انداختن جنگها میتواند مدت زمانی به موجودیت ننگین اش ادامه بدهد. هر گاهی

از غارت و چپاولگری دست بکشد این سیستم محکوم به زوال است و راه دیگری غیر از تعویض نظام سیاسی - اجتماعی بعید بنظر میرسد.

اگر دقیق بیاد داشته باشیم درین اواخر تهدید هایی در برابر ایران از طریق اسرائیل صورت پذیرفت و درست همین مطلب در خور توجه استکه اسرائیل با داشتن سرحد مشترک با سوریه از طریق ارتفاعات جولان که جزء خاک سوریه است و همین حالا بوسیله اسرائیل اشغال شده است، زمینه بیشتر مداخله و دامنزدن به وضع را دارد که بدون شک از آن استفاده اعظمی خواهد نمود. در واقعیت چون انتظارات جدیدی در بخش لوژستیکی در سر راه ناتو قرار دارد و آن اینکه بدون درنظرداشت ترکیه از طریق نزدیکترین کشورهای عضو ناتو اکمالات عمومی صورت گیرد، بناءً بحیره مدیترانه که اکنون کاملاً در اختیار غرب و حکومت‌های دست نشانده شان در ماورای بحیره مدیترانه است، مطمئن ترین راه اکمالاتی برای ناتو محسوب میگردد. تا بتوان کالاها را به اسرائیل و از آنجا با اطمینان کامل به سوریه و از طریق مناطق کردنشین عراق به ایران انتقال داد. نشست چند روز قبل محمود عباس و رهبر حماس مشعل در شیخ نشین قطر به همین منظور صورت پذیرفت تا باشد که با دادن یک سلسله امتیازها زمینه های راحت خاطر ایالات متحده آمریکا و ناتو فراهم ساخته شود. چنین تفسیر میشود که ایالات متحده آمریکا و ناتو در گام نخست ممکن است سلاحهای اتومی را در اسرائیل جابجا نموده و تأمل آنرا ندارند تا نیروی رقیب و یا دومی در منطقه سد راه شان واقع گردد و دوم اینکه نه تنها اسرائیل را برای وارد آوردن ضربه بر ایران تجهیز نموده و به این امر ادامه میدهد، بلکه میخواهد اینکشور را در سطح ژاندارم منطقه در جایگاه ایران زمان رضاشاه پهلوی قرار دهد. **ناگفته نباید گذاشت که نقش لیگ عرب درین زمینه کمتر از هر سازمان خدمتگزار به ارزشهای**

قلابی جهان غرب نیست!